

کارل مارکس

# دست‌نوشته‌های

# اقتصادی و فلسفی ۱۸۴۴

ترجمه‌ی : حسن مرتضوی



انتشارات آفشیان

## فهرست

- یادداشت مترجم بر ویراست سوم ..... ۶
- یادداشت مترجم ..... ۷
- مقدمه‌ی لوچینو کولتی ..... ۱۳
- یادداشت ناشر متن انگلیسی ..... ۴۳
- دیباچه ..... ۴۷
- مزد کار ..... ۵۵
- سود سرمایه ..... ۷۷
- رانت ارضی ..... ۱۰۱
- کار بیگانه‌شده ..... ۱۲۳
- رابطه‌ی مالکیت خصوصی ..... ۱۴۵
- مالکیت خصوصی و کار ..... ۱۵۷
- مالکیت خصوصی و کمونیسم ..... ۱۶۵
- در معنای نیازهای انسانی ..... ۱۸۹
- قدرت پول در جامعه‌ی بورژوایی ..... ۲۱۷
- نقد دیالکتیک و فلسفه‌ی هگل در کل ..... ۲۲۵
- نمایه ..... ۲۶۱

## یادداشت مترجم

کتاب حاضر ترجمه‌ی مجموعه مقالاتی از مارکس است که نخستین بار نزدیک به یک قرن پس از نگارش آن‌ها تحت عنوان *دست‌نوشته‌های اقتصادی - سیاسی ۱۸۴۴* منتشر شده است. مارکس این مقالات را بین مارس و اوت ۱۸۴۴ در پاریس نوشت؛ اما تا سال ۱۹۳۲ از وجود این نوشته‌ها اطلاعی در دست نبود. *دست‌نوشته‌ها* برای نخستین بار در *مجموعه آثار مارکس و انگلس*، بخش اول، جلد سوم، در همان سال در برلین انتشار یافت.

این اثر مربوط به دوران جوانی مارکس است و بعد از جنگ جهانی دوم شهرت گسترده‌ای در اروپا یافت و موجب شکل‌گیری بحث‌های همه‌جانبه‌ای در خصوص مفاهیم فلسفی به‌ویژه در مبحث از خود بیگانگی شد و زمینه‌ای را برای بررسی دیدگاه‌های مرسوم ارتدکس فراهم ساخت.

پرسش مهمی در این میان مطرح است: آیا در این دور و زمانه که «مارکس» و «مارکسیسم» از «مد» افتاده و هزاران نظریه فلسفی مدرن و شبه‌مدرن به تاخت رواند و برتری نظام سرمایه‌داری را در همه اکناف صلا در داده‌اند، کاوش و بازنگری در متون به اصطلاح متعلق به «عهد

عتیق» عملی خردمندانه است؟ متأسفانه مارکس و مارکسیسمی که در ایران شناخته شده‌اند، آن‌چنان با روایات مارکسیسم به اصطلاح رسمی و آثار دست دوم و سوم مسخ شده‌اند که کتابی از این دست تازه و بکر به نظر می‌رسد. نزدیک به هفتاد سال است که همین اثر به زبان اصلی در غرب منتشر شده اما در هیچ‌یک از مباحثات نظری مخالف و موافق جای پای خود را باز نکرده است. سال‌های سال این مسائل جایی در مباحث سیاسی و اجتماعی ایران نداشت: از یک سو عقب‌ماندگی فرهنگی و اجتماعی جامعه و از سوی دیگر رواج چندین دهه مارکسیسم رسمی روسی و مریدان وطنی‌اش که شک را از منکرات می‌دانستند، دست در دست بی‌بنیاد و ریشه بودن تفکر فلسفی غربی در ایران به آن‌جا انجامید که در طیف موافق، یا مارکس را پیشگویی می‌دانستند که جامع‌العلوم است، و یا مرشدی صاحب کرامات که احدی حق حتی تو گفتن به او را نداشت. در طیف مخالف وضع بهتر نبوده و نیست: حراف، لافزنی خیال‌پرداز و دودمان بر باد ده که فقط به درد اروپاییان و آن‌هم اروپایی قرن نوزدهم می‌خورد. دیگر فهم آن‌چه مارکس می‌گفت، مطرح نبود چرا که هزاران مفسر تحصیل کرده و مارکس‌شناس می‌توانستند به‌خوبی بگویند که او چه گفته و چه نگفته است. ما همیشه با این مشکل ریشه‌دار مواجه بوده‌ایم و تنها اندیشه مارکس نیست که با این بلیه سروکار دارد: دکارت، برکلی، اسپینوزا، هیوم، کانت، هگل و... به‌ندرت آثار این متفکران به زبان فارسی برگردانده شده اما انبوه تفسیرهای ساده‌ساز و مشکل‌گشا همه‌جا فراوان است.

مترجم کتاب حاضر امید دارد که ترجمه‌ی این اثر، به درک اندیشه‌ی وی یاری رسانده و کج‌فهمی‌های مولود غرض‌ورزی و احیانا سوءتعبیرات ناشی از «عدم دسترسی به منابع» که سال‌هاست در این مملکت پیداد می‌کند و هر کس به ظن خود برداشت و تفسیری از این نظریه دارد، تصحیح شود.

### درباره ترجمه‌ی این کتاب

مترجم آثار هگل با مشکلات عدیده‌ای روبه‌روست. در ترجمه‌ی متن حاضر نیز این مشکلات وجود دارد، زیرا مارکس در بسیاری از تفسیرهای خود از اصطلاحات و عبارات به‌غایت فنی و «مه‌آلود» هگل بهره فراوانی برده است.

نخستین دشواری در خود موضوع فلسفه هگل نهفته است. هگل معمولاً نمی‌توانست از واژگان مناسبی در زبان آلمانی بهره گیرد تا تمامیت نظرات خویش را بیان کند؛ از این‌رو یا واژگان موجود را با معنای خاصی که برای آن‌ها قائل می‌شد به کار می‌برد یا اصطلاحات خویش را وضع می‌کرد. ترجمه‌ی چنین اصطلاحاتی حتی به زبان انگلیسی که با زبان آلمانی خویشاوند و دارای واژه‌ها و اصطلاحات فلسفی مشترکی است، بسیار دشوار است چه رسد به زبان فارسی که هنوز در مورد بسیاری از واژه‌های فلسفی نقطه‌نظر مشترکی پیدا نشده است. چطور می‌توان اصطلاحاتی از قبیل *Begriff, Wesen, entäussern, aufheben, vorstand, an sich, bei sich, für sich* که معانی آن‌ها حفظ شود؟

این مشکل با نحوه خاصی که هگل ریشه‌های لغات زبان آلمانی را منظور می‌کرد، بیشتر می‌شود. به‌عنوان مثال واژه‌ی ساده‌ای مانند *wirklich* را در نظر بگیرید که معادل آن «واقعی» است. اما همواره باید در نظر داشت که *wirklich* توسط هگل معنای‌ای از قبیل «آن‌چه عمل می‌کند»، «امر مؤثر» یا «امر بالفعل» را دربرمی‌گیرد. یا *begriff* که به «مفهوم» برگردانده می‌شود، در معنای هگلی‌اش با فعل *greifen* (چنگ زدن، دریافتن) مرتبط است، از این‌رو *begriff* عبارت از مفهومی است که باید از محتوای آن درک کاملی داشت. و سرانجام واژه *sinnlich* که به معنای «لذات جسمانی» است، از واژه *sinne* به‌معنای حواس گرفته شده است و نباید معنای نفسانی از آن برداشت شود.